



به نام خدای بخشناوند لا مهربان

In the name of Allah, the Beneficent, the Merciful.

فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران



تعریف مبنا ، اهل و استلزام تربیت

مبنا به لحاظ لغوی به معنای " محل بنا " می باشد و مبانی تربیت یعنی محل یا شناژ یا شالوده و فونداسیون که قرار است بنای بزرگ تربیت بر روی آن ساخته شود (در این تمثیل ، تربیت به یک بنا یا ساختمان تشبیه شده است) .

مبانی تربیت ، در حقیقت ، گزاره ها یا جملاتی هستند توصیفی و دارای " می باشد " یا " است " یا " هست " که بر فرایند تربیت تاثیر گذار هستند . به عنوان مثال ، " انسان موجودی ذاتا اجتماعی است " یک گزاره توصیفی است راجع به انسان و تاثیر گذار بر تربیت او و از این رو می تواند مبنایی برای تربیت باشد .

تعریف مبنا، اصل و استلزام تربیت

اصول تربیت گزاره های تجویزی (یعنی حاوی بایدهای کلی) هستند که از مبانی استنباط و اخذ می شوند . به عنوان مثال ، " باید انسان را در اجتماع پرورش داد ، نه دور از اجتماع " یا " باید مهارت های اجتماعی را به نوآموزان یاد داد " یا " باید مدرسه نمونه ای کوچک از یک جامعه بزرگتر باشد " اصول تربیت هستند که می توان آن را از مبنای فوق الذکر در مورد اجتماعی بودن انسان استنباط نمود و نتیجه گرفت .

اما استلزامات تربیت گزاره های پیشنهادی بوده و اساسا روش های جزئی و عملی هستند که لازمه تحقق یک اصل تربیت می باشند ، یعنی اقداماتی که باید در عمل پیاده گردند تا یک اصل تربیت تحقق یابد .

مبانی را از کجا می توان یافت ؟

مبانی تربیت بر سه نوعند و برای هر نوعی منبعی خاص وجود دارد ؛

این سه نوع عبارتند از :

مبانی سیاسی - حقوقی تربیت

مبانی علمی تربیت

مبانی اساسی تربیت

مبانی اساسی تربیت

منظور از مبانی اساسی تربیت "مجموعه گزاره های دینی یا فلسفی مدلل هستند که از یک جهان بینی و نظام ارزشی (مثلاً یک دین یا شریعت یا یک فلسفه خاص) اخذ می شوند و مقبول اکثریت جامعه هستند (مانند اصول دین) ". این دسته از مبانی غالباً قابل آزمون تجربی نیستند ، بلکه موضوعاتی اعتقادی و ایمانی بر پایه استدلال هستند

مبانی را از کجا می توان یافت ؟

مبانی علمی تربیت

از آنجایی که مبانی اساسی تربیت به خاطر کلی و انتزاعی بودن برای تفصیل و شرح جزئیات برنامه ها و روش های تربیتی و آموزشی کارایی چندانی ندارند ، نیازمند دسته دیگری از مبانی هستیم که از علوم مختلف مانند روان شناسی ، جامعه شناسی ، مدیریت ، برنامه ریزی و از این قبیل اخذ می شوند . این دسته از مبانی قابل راستی آزمایی و آزمون تجربی هستند ، اما نکته مهم در باره آنها این است که از مبانی علمی به هیچ وجه نمی توان برای استنباط تعریف ، اهداف و اصول کلی تربیت استفاده نمود . به عنوان مثال ، تصور نمایید یکی از مبانی روانشناختی تربیت بدین گونه باشد که "یادگیری در انسان مکانیکی نیست ، بلکه در یادگیری انسان ، ذهن نقشی فعال دارد" . از این مبنا نمی توان چنین نتیجه گرفت که هدف نهایی از زندگی انسان و به تبع آن ، هدف از تربیت استفاده فعالانه از ذهن در یادگیری است .

مبانی را از کجا می توان یافت ؟

مبانی سیاسی – حقوقی تربیت

از آنجا که انسان در یک جامعه زندگی می کند ، تربیت او نیز نمی تواند در خلاء و دور از شرایط اجتماع صورت گیرد ؛ نتیجه اینکه ، تربیت حتما در یک بستر اجتماعی و نظام سیاسی (تحت یک حکومت) رخ می دهد و بنابراین به یک سری مبانی مرتبط با تربیت نیاز است که در قالب قوانین اساسی و قوانین موضوعه (مصوب مجلس یا گروهی از نخبگان) بیان می شوند و مختص هر جامعه هستند . بدیهی است در جمهوری اسلامی ایران باید به سراغ قانون اساسی و قوانین مصوب در مجلس در ایران رفت .

طبیعی است اگر قرار باشد به فلسفه تربیت در معنای عام آن (یعنی تربیت فارغ از مکان و زمان) بنگریم ، به مبانی نوع سوم نیازی نخواهیم داشت .

مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

تعریف و انواع مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

مبانی اساسی تربیت عبارتند از "مجموعه اعتقادات یا قضایایی مدلل برگرفته از آموزه ها و معارف اصیل اسلامی (کتاب ، سنت و احادیث معتبر) و یا فلسفه های اسلامی که از آنها می توان برای تبیین چیستی ، چگونگی و چرایی تربیت استفاده نمود". از این مبانی به عنوان پایه و اساس جهت گیری تمامی برنامه های تربیتی می توان یاد کرد. این مبانی در قالب شاخه های هستی شناسی ، انسان شناسی ، معرفت شناسی ، ارزش شناسی و مبانی دین شناسی قابل ارائه می باشند .

مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

تعریف و انواع مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

مبانی اساسی تربیت عبارتند از "مجموعه اعتقادات یا قضایایی مدلل برگرفته از آموزه ها و معارف اصیل اسلامی (کتاب ، سنت و احادیث معتبر) و یا فلسفه های اسلامی که از آنها می توان برای تبیین چیستی ، چگونگی و چرایی تربیت استفاده نمود". از این مبانی به عنوان پایه و اساس جهت گیری تمامی برنامه های تربیتی می توان یاد کرد. این مبانی در قالب شاخه های هستی شناسی ، انسان شناسی ، معرفت شناسی ، ارزش شناسی و مبانی دین شناسی قابل ارائه می باشند .

مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

تعریف و انواع مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

مبانی هستی شناختی اسلامی

مبانی هستی شناختی به مجموعه اعتقادات یا گزاره های مدلل در باره جهان هستی و حقایق حاکم بر آن اطلاق می شود که از معارف اصیل اسلامی اخذ شده اند ، اعتقاداتی که می توان از آنها برای تبیین تعریف و یا اهداف و اصول کلی تربیت استفاده نمود .

مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

تعریف و انواع مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

مبانی انسان شناختی اسلامی

از آنجایی که قرار است تربیت بر روی انسان صورت گیرد ، یعنی موضوع تربیت خود انسان است ، بنابر این لازم است شناختی در حد توان و امکان از انسان وجود داشته باشد تا تربیت به نحو احسن برای او صورت گیرد . از این رو ، نیازمند مبانی انسان شناختی هستیم . هر مکتبی برای خود دیدگاه هایی در مورد انسان و ماهیت او دارد . در جمهوری اسلامی ایران که پسوند اسلامی دارد ، مبانی انسان شناختی را نیز باید از درون دیدگاه مکتب اسلام بیرون کشید .

مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

تعریف و انواع مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

مبانی معرفت شناختی

منظور از مبانی معرفت شناختی مجموعه گزاره های توصیفی و مدلل برگرفته از معارف اصیل اسلامی یا دیدگاه های فلاسفه اسلامی راجع به علم (یا معرفت) می باشد

مبانی ارزش شناختی

منظور از مبانی ارزش شناسی اسلامی نیز گزاره های مدلل مربوط بایدها و نبایدهای ارزشی و اعتقادی که عموماً از منابع اصیل اسلامی یا فلسفه اخلاق اسلامی اخذ می شوند .

مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

تعریف و انواع مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

مبانی دین‌شناسی

۱- دین حقیقت واحدی است از سوی الله برای هدایت بشر به سوی سعادت حقیقی و جاوید (همان که خداوند از آن به عنوان ان الدین عندالله الاسلام تعبیر نموده است) و شریعت های متعدد مثل مسیحیت ، یهودیت و خود اسلام نبوی از مصادیق و نمونه های آن هستند و شریعت اسلام و دین خاتم نمونه اکمل و اتم است که در بردارنده قوانین اساسی فرازمانی و فرامکانی می باشد ، قوانینی که بر فطرت و طبیعت پاک انسانی استوارند و معیارهایی برای رسیدن به حیات طیبه در اختیار انسان ها قرار می دهد

مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

تعریف و انواع مبانی اساسی تربیت در جمهوری اسلامی ایران

مبانی دین‌شناسی

2- در دین اسلام تفکیک دنیا از آخرت ، فرد از اجتماع ، جسم از روح ، امور مادی (مثل کار و کسب درآمد و سیاست و فعالیت علمی و ...) از امور صرفاً معنوی (مثل عبادت) وجود ندارد . لذا ، تحقق کامل رسالت دینی علاوه بر رشد فردی انسان ها در زمینه عبودیت و دینداری ، ایجاد جامعه صالح را هم می طلبد که تحقق آن نیازمند حکومت است

3- دین داری عبارت است از تلاش خردورزانه و مداوم آدمی برای وصول به مراتب بالاتر حیات طیبه بر اساس ایمان آگاهانه و اختیاری به خداوند ، آخرت و رسولان الهی .



قرائت ها و برداشت های مختلف از دین

چرا برداشت های مختلف از دین وجود دارد؟
وضعیت در باره قرائت های مختلف از اسلام چگونه است و چه باید کرد؟

در پاسخ به سوال اول باید گفت انسان به يك تعبير موجودي است سه ضلعي كه تركيب شده است از عقايد ، اخلاقيات و رفتارهايي . عقايد بخش نظري او ، اخلاقيات تركيبی از نظر و عمل و احكام بخش عملي وجود او را تشكيل مي دهند . بر همین اساس ، دین نیز مشتمل بر همین سه بخش عقاید (معارف) ، اخلاق و احکام (رفتار) می باشد . با این برداشت از دین ، هیچ انسان بی دینی وجود ندارد ، اما دین های متفاوتی وجود خواهد داشت . در قرآن کریم ، حتی به عقاید و رفتار کفار و مشرکین نیز به دین تعبیر شده است (قل يا ايها الكافرون لكم دينكم و لي دين) اما این امکان وجود دارد که در درون يك دین واحد نیز ، به دلایل متعددی همچون وجود متشابهات تفسیربردار ، اختلاف سلیقه و برخی اوقات کج فهمی و بدفهمی مطالب و البته تعصب و جهل در هر يك از بخش های دین (یعنی اعتقادات ، اخلاقيات و احکام) ، برداشت های مختلفی از دین به وجود آید و به وجود آمده است و همین موضوع است که تفقه و تعقل و تأمل در دین را ضروری و واجب نموده است .



قرائت ها و برداشت های مختلف از دین

چرا برداشت های مختلف از دین وجود دارد؟
وضعیت در باره قرائت های مختلف از اسلام چگونه است و چه باید کرد؟

اما در پاسخ به این سوال که وضعیت اختلافات در دین اسلام چگونه است و چه باید کرد ، می توان گفت سه دیدگاه در این زمینه وجود دارد که تنها یکی از آنها به صحت نزدیک تر به نظر می رسد **نخست** اینکه در تشخیص اسلام حقیقی هیچ اختلافی بین مسلمین وجود ندارد و اصلاً نباید وجود داشته باشد

دوم اینکه می گوید در دین اسلام هیچ چیز شفاف و قطعی وجود ندارد و همه چیز در دین متشابه و اختلافی است و اصلاً نمی شود قضاوت و داوری نمود که کدام صحیح و کدام اشتباه است .

اما **سومین** دیدگاه که به صحت نزدیکتر است این است که بخش های عمده و اصلی اسلام در باب معارف و ارزش ها و اعمال و اخلاقیات (یا همان محکّمات دین) روشن و واضح است و اختلافی بین کسانی که به منبع واحد شریعت (قرآن و سنت و روایات معتبر) معتقدند وجود ندارد و اساساً در مورد محکّمات یک قرائت و برداشت بیشتر وجود ندارد .